

بحث در موضوعات حقوقی

بزه سیاسی

در ۹ دسامبر ۱۹۴۴ م از طرف حکومت فرانسه بر اثر اتفاق ناگواری که در مارسیل رخ داد یادداشتی بشورای جامعه ملل تسایم و برضد تروریسمهایی که بغرض سیاسی ارتکاب میشود تقاضای مبارزه شده بود.

فردای آنروز از طرف شورای جامعه کمیته برای جلوگیری از تروریسم بین المللی برقرار گردید. دفتر بین المللی توحید قوانین کیفری با آنکه پیش از این تاریخ در کنفرانس مادرید همین مسئله تروریسم را مطرح کرده و زمینه هم برای آن تهیه نموده بود باز در کنفرانس پاریس که در ژانویه ۳۵ تشکیل شد لازم دید که درین موضوع تجدید نظری نماید. مسئله جزء دستور کنفرانس آینده که میبایست سال بعد از آن در کپنهاگ تشکیل شود گذاشته شد.

درین موقع موسیو اوک (Gyoll, Aug) دادستان استان دانمارک که بسمت نمایندگی آن کشور در کنفرانس پاریس کارمند بود با تقدیم این مقدمه (که نام بزه سیاسی هم در فصل استرداد مجرمین از قانون کیفر و هم در فصل تروریسم از آن قانون برده میشود و تا مفهوم این بزه چنانکه باید روشن نشود و مصادیق خارجی آن از بزه های دیگر متمایز نگردد مسائل مطروحه حل نخواهد شد) پیشنهاد نمود که تعریف جامعی برای بزه سیاسی بشود.

این پیشنهاد مورد قبول کنفرانس واقع و برخلاف سایر موضوعات که بکمیسیونها ارجاع میشد برای این کار یک کمیته مخصوص انتخاب و مأمور گردید که مقدمات امر را تهیه نموده گزارش خود را برای کنفرانس

کپنهاگ حاضر کند.

بالاخره کنفرانس کپنهاگ از نمایندگان ۴۸ کشور مختلف در ۳۱ اوت ۱۹۳۵ در پای تخت دانمارک تشکیل شد و جناب آقای دکتر متین دفتری نخست وزیر و وزیر سابق دادگستری بریاست هیئت نمایندگن گلن لیبیران در آن کنفرانس شرکت داشتند.

تفصیل قضایای مربوط بآن کنفرانس و موضوعاتی که محل بحث واقع شده و لوایح و مقالاتی که کارمندان آن کنفرانس نوشته و بیاناتی که کرده اند در مجموعه که در ۱۹۳۸ مسیحی در پاریس بطبع رسیده آورده شده و در سال گذشته بدستور وزارت دادگستری چند قسمت از آن مجموعه را که راجع ببزه سیاسی است من بنده ترجمه کرده ام:

۱ - گزارش عالمانه مسیو هامریک کی (۱) عضو دیوان دآوری بین المللی لاهه و مخبر کمیسیون راجع ببزه سیاسی در کنفرانس کپنهاگ که مورد تمجید و تحسین همه واقع شده.

۲ - یادداشتهای مسیو آلوازی (۳) رئیس شعبه دیوان کشور ایتالیا و کارمند کمیسیون.

۳ - ملاحظات مسیور و (۳) مستشار دیوان کشور فرانسه و نماینده آن کشور در کنفرانس و کارمند کمیسیون.

۴ - ملاحظات موسیو ازوا (۴) استاد دانشگاه

1 - hammerich Kai

2 - Mgo Alloisi

3 - J . A . Roux

4 - Luis jimenez de Asúa

مادرید متخصصی در امور کیفری که طبق ماده ۱۶ اساسنامه دفتر بین المللی توحید قوانین کیفری بکنفرانس دعوت شده.

۵ - زمینه که در کمیسیون برای تحدید بزه سیاسی ضمن چند ماده تهیه شده و آنچه در کنفرانس کپنهاگ پس از مباحثه و مشاوره بتصویب رسیده.

اینک خلاصه از گزارش مسیو هامریک که اساس این مبحث است و تحدیدی که برای جرم سیاسی در کنفرانس کپنهاگ بتصویب رسیده از نظر خوانندگان مجموعه حقوقی میگذرد دوازده دیگر قسمت‌ها برای احترام از تطویل صرف نظر میشود و تصور میرود که همین مقدار برای احاطه بموضوع کافی باشد.

گزارش مسیو هامریک

- ۱ - ملاحظات عمومی ۲ - خلاصه تاریخی -
- ۳ - طریقه متمایل بارفاق ۴ - طریقه متمایل بشدید -
- حمایت جزائی از تشکیلات سیاسی داخلی - حمایت جزائی از امنیت خارجی ۵ - استرداد مجرمین ۶ - متن پیشنهادی گزارش دهنده .

۱ - ملاحظات عمومی

این مسئله که بزه سیاسی شامل چه بزه‌هایی میشود مسئله است که از بدو پیدایش بشک و تردید برخورداره، هیچیک از مقننین تعریف جامع و مانعی از بزه سیاسی نکرده اند و عقاید علمای حقوق نیز درین باب کاملاً متخالف است. و در واقع یک چنین تعریفی خالی از اشکال هم نیست - اگر گفته شود بزه سیاسی بزه‌ای است که منشاء خطر سیاسی شود یا بیکی از مصالح عمده سیاسی بطور مستقیم یا بواسطه انعکاس در دایره سیاسیات بر خورد کند، تعریف شیئی بنفس میشود و باز جای این سؤال باقی میماند که مصالح سیاسی چیست؟ و حدود دایره سیاسیات کدام است؟

اشکال در درجه اول از کلمه سیاسی ناشی میشود

که نه دارای یک معنی محدود معینی است و نه اصطلاح علمی است - اموری که سیاسی نامیده میشود عده‌ایست از مجموع اموری که ممکن است در اجتماع بوجود آید، و امور اجتماعی طوری بهم مربوطند که یکی از آنها تنها و بدون دیگری بوجود نمیآید. این است که تمیز دادن بزه‌ی که خالصاً سیاسی است از آنکه کاملاً غیر سیاسی است و از آنکه بین این است در نهایت دشواری است.

تعریفی که بعض مقننین این عصر آورده و بعضی دیگر آنرا پذیرفته‌اند (یعنی جرائم بر ضد شخصیت کشور) تعبیر تازه‌ایست که اصطلاح کرده اند و حل اشکال نم‌کنند؛ زیرا باز تشخیص اینکه کدام جرم بر ضد شخصیت کشور است بحال خود میماند و باین تجدید اصطلاح رفع اشکال نمیشود.

اشکال دیگری هم از جانب معنی ضمیمه میشود که تغییر عبارت در رفع آن اثری ندارد و آن این است که تمایز بزه سیاسی از بزه عمومی از بدو امر مبتنی بر جهات و خصوصیات واقعی بوده که آنها را در یکدسته از بزه‌ها موجود دیده و مقتضی دانسته اند که در کیفر آنها رویه دیگری اتخاذ شود و معلوم است که این قضیه لفظی نیست تا با اصطلاح الفاظ و تغییر عبارات تفاوت کند بلکه مبتنی بر واقع و حقیقتی است. باید دید آن چیست؟

اگر قانون گذاران یا تقریباً همه آنها بین بزه سیاسی و بزه عمومی از جهت دادرسی و کیفر اجمالاً تفاوت قائل شده‌اند و قدر مشترك بین آنها همین است. و اما در کیفیت تفاوت نظرها مختلف و بلکه متضاد است چه یکی از آن دو نظریه نسبت ب بزه کاران سیاسی متمایل بمساعدت و ارفاق است و یکی دیگر بعکس متمایل است بسخت گیری و تشدید نسبت ب آنها. و این هر دو دسته مبنی و مأخذ نظریه خود را همان خصوصیتی

قرار میدهند که در بزه سیاسی هست و در بزه عمومی نیست این اختلاف نظر مسئله را بیشتر مشکل میکنند و معلوم میشود که اختلاف تنها در تعبیر نیست بلکه در طرز فکر اختلاف است. اینکه کلمه سیاسی در نزد همه ملل تقریباً مفهوم دارد و در باب بزه سیاسی اختلاف دارند حاکی ازین است که در تقدیر نتایج يك عمل معين نظر ها مختلف است و بر اثر این اختلاف در تقدیر ممکن است اختلافاتی در عقاید و آراء پیدا شود و اما منشاء این اختلاف در تقدیر بالاخره روح ملیت اقوام است و ناشی میشود از سرتاریخ ملل و کیفیت تکامل و تعالیم و تقالید موروثی و اکتسابی و نظریات اخلاقی و قضایی آنها - تأثیر عنوان سیاسی در روحيات ملل خیلی مختلف است و بلکه در ملت واحد هم در زمانهای مختلف مختلف میشود. گاهی بجنبة سیاسی تفوق داده میشود و در هر جرمی بیشتر بنتایج سیاسی آن توجه میشود و گاهی برعکس بیشتر بجنبة عمومی یعنی توجه خسارت یا خطر باشخاص توجه میشود و گاهی طرفین قضیه متكافئ و متعادل میباشد. و همین اختلاف نظر ها باعث این میشود که در باب توجه تقصیر و هم در باب کیفر نسبت بزه کار سیاسی در قوانین اختلاف پیدا میشود.

این اختلاف نظر در تعریف بزه سیاسی هم مؤثر واقع شده زیرا آنهایی که جرم سیاسی را منظور دارند و میخواهند بتمام وسائل ممکنه با آن مبارزه کنند و بهر قیمتی باشد از وقوع آن جلوگیری کنند طبعاً تعریفی که برای آن میکنند قابل توسع و انبساط است تا شامل هر موردی که شائبه سیاست در آن باشد نیز بشود. و بعکس کسانی که بنظر ارفاق بزه سیاسی مینگرند برای آنکه ارفاقی که قائل میشوند مورد استفاده بزه کاران عمومی یعنی آنهایی که شائبه سیاست در بزه آنها هست نشود، سعی میکنند که تعریف بطوری

مانع باشد که بزه عمومی را هر چند شائبه سیاست هم داشته باشد شامل نشود.

ازینجا معلوم میشود که تحدید بزه سیاسی بطوری که هم عام باشد تا با همه این اختلافات بسازد و بنظر همه فرق درست بیاید و هم دقیق باشد تا فائده علمی داشته باشد اگر ممتنع نباشد دست کم در نهایت دشواری خواهد بود.

يك اشکال دیگر که مزید پیچیدگی و دشواری میشود این است که عموماً مسئله را بنحوی طرح میکنند که گویا بزه سیاسی از جنبة قضایی واحد و غیر قابل انقسام باشد. سعی میکنند تعریف واحدی برای آن پیدا کنند که در قوانین داخلی و هم در معاهدات بین ملل، هم در حقوق جزائی داخلی و هم در باب استرداد مجرمین بتوان بر آن اعتماد نمود. ما در باب وحدت مفهوم پس ازین بحث خواهیم کرد اما بهر حال نمیتوان منکر شد که منظورهای ملل از جدا کردن بزه سیاسی از بزه غیر سیاسی در نهایت اختلاف بر حسب آنکه بلحاظ قوانین داخلی باشد یا بلحاظ ارتباط با سایر ملل. پس مناسب است که برای روشن شدن مطلب در مسئله استرداد مجرمین بحثی جدا گانه بشود.

این است که ما خود را ناگزیر میبینیم ازینکه بدو هریک از طریقه های مقننین جزائی عصر حاضر را در داخله کشورها از نظر گذرانده سپس از بزه سیاسی در باب استرداد مجرمین بحث کنیم و بی مناسبت نیست که پیش از وارد شدن بتفصیل موضوع پاره ملاحظات تاریخی و سیر تکاملی ملل را که منشأ طریقه های فاعلی شده بنحو اجمال ذکر کنیم